

امام خمینی خطاب به امت: سلاحها را برای جهاد مقدس آماده کنید

امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی در پیام عید قربان به امت مسلمان و قهرمانان ایران بار دیگر بر حضور فعال توده‌ها در صحنه تأکید کرد و از آنها خواستند که با دجها د مقدس باشند اما در پیام ضمن تبریک عید قربان به مستضعفین جهان واقشار مختلف مردم گفتند: مبارک باد بر ملت عظیم اسلام که صادقانه و دل‌ورانه در مقابل ولیا شیطان بیباک هستند

بقیه در صفحه ۱۲



نوده‌های مردم در خرمشهر و آبادان و سراسر جنوب و غرب کشور اصالت و حقانیت خود را در میان خون و آتش تحکیم می‌بخشند.

شماره ۱۲

شماره ۷۹ چهارشنبه ۳۰ مهرماه ۱۳۵۹ سال دوم

نشریه جنبش مسلمانان مبارز

بهاء ۲۰ ریال

ماهیت جنگ، دستاوردها و مواضع نیروهای داخلی و خارجی

● چه باید کرد تا برنده واقعی در این نبرد خلق مبارز و مسلمان و انقلاب اسلامی ایران باشند

هر روز که از عمر جنگ می‌گذرد، بر اهمیت آن در سرنوشت انقلاب و آزادی و استقلال مبین افزوده میشود. مشارکت رو به تازید توده‌های مبارز و انقلابی در دفاع از انقلاب در برابر تجاوز، سیمای تازه‌ای به این جنگ تحمیلی بخشیده است. بسیاری از ناباوران هم‌اکنون پذیرفته‌اند که اگر مردم در صحنه نباشند، مقاومت در برابر



۱۹- بقره

فرانسه و رویایهای استعماری، امپریالیستی در آفریقا و خاورمیانه

فرانسه که در سالهای گذشته دوران سقوط و انحطاط قدرت استعماری خود را با اوج گیری نهضت‌های آزادیبخش در آسیا و آفریقا از سر میگذراند، بار دیگر هوس‌ها و بندارها و رویایهای ماجراجویانه استعماری و امپریالیستی گذشته را در سر میپروراند. سیاست استعماری جدید فرانسه در ریشه و اساسی در خدمت منافع غرب بطور اعم و منافع امپریالیستی آمریکا بطور اخص قرار دارد و کوشی که تاریخ بشکلی و بصورتی دیگر تکرار میشود چرا که فرانسه استعمارگر مثلا در ویتنام عملاً "بیشتر اهل یار بزرگ امپریالیست خود یعنی آمریکا" که بهرحال با خون و همت و اراده آهنین خلق قهرمان ویتنام با شکست فزاینده

بقیه در صفحه ۲

زیب فریاد پر خروش بیداری زنان در بلندای رهائی توحیدی

زنان جامعه مادر متن انقلاب نه تنها تصویری را که از آنها بغلط ترسیم شده بود در یزدند و تصورات غیر توحیدی و شرک‌آلود درباره خود را که در ذهنها جایگزین شده بود زائل ساختند بلکه خود نیز تصویری را که از خویش داشتند در یزدند.

بقیه در صفحه ۱۰

وظایف و مسؤلیتهای عملی برادران و خواهران مبارز در قبال جنگ تحمیلی دشمن

برادران و خواهران مبارز هجوم نظامی حکومت بعثی عراق با حمایت همه جانبه امپریالیسم آمریکا و مزدوران آن در منطقه تأییدی است بر درستی خط مشی که مورد حمایت ما بوده است. این تهاجم ثابت کرد اصرار بر تداوم انقلاب و حفظ جوهر مکتبی آن سرانجام نبرد سلحشانه‌ای را بین انقلاب و امپریالیسم سبب خواهد شد - ثابت کرد مصالحه با شیطان غیر ممکن است و امپریالیستها تنها در صورتی حاضر به کنار آمدن با ما هستند که انقلاب از توان و حرکت محروم شود از آرمانهای خود دست بکشند میدان را برای سازشکاران و مرتجعان بکلی خالی کند. سازش‌ناپذیری رهبری انقلاب در برابر فشارهای سیاسی و نظامی دشمن سرانجام بیک چنین تهاجم گسترده‌ای انجامید.

اکنون با توجه به وجود گرایشها و نیروهای متفاوت و متضاد در جبهه داخلی بقیه در صفحه ۲

امپریالیسم هرگز توبه نخواهد کرد و هرگز تکامل معنوی نخواهد یافت

بقیه در صفحه ۵

قاطعیت برادران هیئت هفت نفره واگذاری زمین اورمیبه قوودالهای منطقه را به دست و پا انداخته است

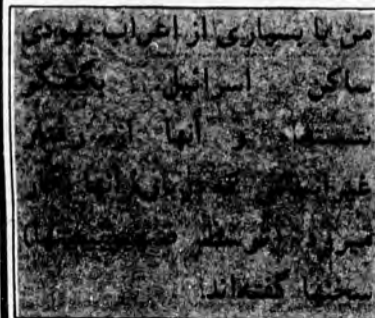
طرح واگذاری و احیا اراضی که توسط برادر استاد رضا اصفهانی ریخته شد، قبل و بعد از ابلاغ به تمام استانها و شروع کار، دو جریان عمده را باعث شد. از یکطرف زمینداران و اربابان و قوودالها با حمایت و جانبداری روحانی نمایان مرتجع به مقابله با این طرح انقلابی برخاستند و از طرف دیگر دهقانان و روستائیان محروم و تحت استثمار که این طرح را نور امید برای رهائی از ظلمتکدمهای قوودالها می‌دیدند، با تمام قوا به پشتیبانی از این طرح پرداختند و در این جریان نیروهای مترقی و بیروان واقعی امام

را نیز پشت سر داشتند که با اعلام آمادگی برای اجرای طرح، به پشتیبانی از روستائیان محروم و تحت استثمار برآمدند. در استان آذربایجان غربی نیز هیئت هفت نفره تشکیل و با وجود آوردن گروه‌های تحقیق از برادران مؤمن به انقلاب و امام با سرعت هرچه بیشتر و با تلاش و کوشش مستمر دست به کار شد. پس از اتمام تحقیقات مقدماتی از یک ماه پیش واگذاری زمین به دهقانان محروم از روستاهای نقره یکی از شهرهای استان آغاز شد و از چندی قبل طرح در ارومیه نیز شروع شده است و بقیه در صفحه ۴

یهودیان هم از صهیونیسم زخم خورده‌اند

آنچه می‌خوانید گفتگویی است با یک زن روزنامه‌نگار یهودی اسکاتلندی که از یکی از مجلات فلسطینی نقل میشود

سؤال - شما چگونه به ماهیت صهیونیسم پی بردید و با آن به مخالفت برخاستید؟
جواب: بعد از جنگ ۱۹۴۷ من با اسرائیل فرستاده شدم تا گزارشی تهیه کنم و در چنین شرایطی من موفق شدم فاجعه‌ای را که درباره فلسطینیها رخ میداد درک نمایم، ابتدا برای من بسیار مشکل بود تا بفهمم که در نوشتن حقایق درباره فلسطینیها با چه معضلاتی مواجه خواهم



شد و هیچکس تن به چاپ و نشر گزارشی من نخواهد داد، اما وقتی دست بکار شدم همه چیز برابرم روشن شد. فکر میکنم اساسی‌ترین و مهمترین نکته قابل تعمق بقیه در صفحه ۱۰

بیاحث ابدنولوژیک
دکتر حبیب‌الله بیمان
مقوله‌های اساسی مکتب جهان‌بینی

بحث وجود در منطق قران برهان صدراپی
معمولاً "مهمترین مسأله مورد بحث فلسفه را مسأله بود و نبود ذکر می‌کنند. مناقشه اساسی فلاسفه از قدیمترین ایام بر سر این موضوع بوده است که آیا چیزی، حقیقتی، واقعیتی، مستقل از ذهن ما وجود دارد و یا آنچه می‌بینیم و می‌شنویم یکسره خواب و خیال و ساخته و پرداخته ذهن و تصور است؟ هنوز هم هستند کسانی که مسأله اساسی فلسفه و موضوع اصلی شناخت راحل این قضیه می‌دانند که ثابت کنند واقعیت یا حقیقتی وجود دارد یا نه؟ در صورتیکه اگر خوب دقت کنیم، مسأله بقیه در صفحه ۸

در هر نقطه‌ای که هستید مردم را برای جنگ و درگیری با آمریکا و اذنانب خونخوارش چون عراق آماده کنید که جنگ، جنگ است و عزت و شرف میهن و دین ما در گرو همین مبارزات است. امام خمینی

اُمت

ماهیت جنگ، دستاوردها

و مواضع نیروهای داخلی و خارجی

مقدار صفحه ۱

پیشروی ارتش دشمن دشوار و شاید غیرممکن است. سربازان و افسران ما در جبهه‌های جنگ و سنگرهای نبرد به پیشگرمی میلیونها مردمی که پرشور و با ایمان آماده مقاومت‌اند و به دلگرمی که از حضور نیروهای رزمنده مردمی در کنار خویش بدست می‌آورند، با دشمن می‌جنگند. هیچکس تردید ندارد که اگر دشمن در اشغال شهرهای خوزستان ناموفق بوده، تنها دلیلش مقاومت حماسه‌ای نیروهای مردمی بوده است، مقاومت دلیرانه و حماسه‌ای رزمندگان مسلمان در خرمشهر و آبادان و سهم این نیروها در آزاد کردن سوسنگرد و بعضی دیگر از مناطق اشغال شده، بر کسی پوشیده نیست.

میلیونها هموطن مبارز و مسلمان در سراسر کشور ما هم‌اکنون مستقیم‌و غیرمستقیم در جنگ شرکت دارند و با مال و جان از ترف و استقلال میهن و دستاوردهای انقلاب خونبار خود دفاع می‌کنند. استقبالهای عظیم و پرشور از شهیدان بازگشته از جبهه‌های جنگ و بدرقه آنان تا آرامگاه شهیدان، اعطای همدونگ کمک و یاری از جانب توده‌های محروم در شهر و روستا و همبستگی و اتحاد در برابر دشمن، نشانه‌های کوچکی از فداکاری و جانبازی است که مردم انجام می‌دهند. ضایعات جنگ در وهله اول مستقیماً نوسخت‌توده‌های محروم و مستضعف جامعه تحمل می‌شود و فشار اقتصادی ناشی از آن بر دوش تحیف

همچنان قربانی می‌دهند و ایثار می‌کنند. پس خلاف انتظار نیست اگر مردم نسبت به سرنوشت این جنگ سخت علاقمند باشند، زیرا آزادی یا اسارت، استقلال و وابستگی تداوم یا توقف انقلاب همه در گرو چگونگی رهبری جنگ و نتایج و آثار آن می‌باشد. درباره ماهیت جنگ و انگیزه‌های دشمن از تهاجم به میهن ما صحبت زیاد شده است، بعضی گروهها بر اساس تئوریهای نادرست و بیگانه با واقعیات مستقل از ذهن، دو طرف جنگ را حکومتی یا ارتجاعی معرفی می‌کنند، صرفنظر از اینکه نسبت دادن ماهیت ارتجاعی به رهبری انقلاب ایران یا واقعیتهای اجتماعی مغایرت دارد. این گروهها از توجیه هجوم دول ارتجاعی منطقه و امپریالیسم آمریکا بد ایران و جنگ برضد حاکمیت سیاسی آن عاجزند و تاکنون حتی یک دلیل منطقی ارائه نداده‌اند که بین دولت‌های مرتجع جنگ بر سر چه چیز اتفاق افتاده، می‌گویند

منافع سرمایه‌داری! از این تئوری‌بافان باید پرسید حکومت ایران برای جلب کدام منافع و توسعه کدام قلمرو سرمایه‌گذاری را استعماری منافع حکومت ارتجاعی عراق و عربستان، اردن و شیوخ را به خطر انداخته و یا در جلب کدام منافع سرمایه‌داری با آنان از در رقابت وارد شده است؟ سازمانها و گروههایی که جنگ فعلی را بین دو حکومت ارتجاعی میدانند، باید ریشه تضاد بین آنان را روشن کنند، با شعار و کلی‌گویی یک‌چنین ادعایی قابل اثبات نیست، تضاد بین حکومت‌های ارتجاعی ایران و عراق به تضاد بین کدام یک از قدرتهای امپریالیستی برمی‌گردد؟ بین قدرتهای امپریالیستی غرب؟ یا امپریالیسم آمریکا و شوروی؟ اینها سوالاتی است که گروهها و سازمانهای مزبور پاسخی برای آنها ندارند. اگر ایران حکومتی ارتجاعی! و وابسته به امپریالیسم آمریکا دارد، چرا حکومت‌های مزدوری چون اردن، عربستان و شیوخ با آن به جنگ برخاسته‌اند؟ آیا حکومت سگفته شما ارتجاعی ایران وابسته به شوروی است؟ اگر همه از یک سنخ هستند، و وابسته به یک قدرت امپریالیستی، جنگ و درگیری بین آنها چه دلیلی می‌تواند داشته باشد؟ تلاش شدید این گروهها برای تبیین و توجیه موضع انفعالی خود و اثبات این مدعا، فقط برای آنست که هواداران خود را از سرگشتگی و حیرت خارج کرده، مانع از انفعال و جدائی‌شان گردند، زیرا این تهاجم امپریالیستی علیه حاکمیت انقلاب ایران همه تفسیرهای آنان را باطل و برخاسته می‌نماید. در این حال اگر با مساله جنگ برخوردی ساده داشته باشیم و پیچیدگی طرح‌های امپریالیستی را در نظر نگیریم، در تشخیص مسئولیت‌هایمان به خطا دچار می‌گردیم. در شماره‌های قبل انگیزه‌ها و هدف‌های حداکثر و حداقل آمریکا را از این جنگ تحمیلی باز نمودیم، اکنون یک بار دیگر بر این نکته تاکید می‌کنیم که آمریکا در حمایت از هجوم حکومت بعثی عراق و بسیج حکومت‌های دست‌نشانده خود علیه ایران، مصالح و هدف‌های زیر را در نظر دارد:

حداقل خواست آمریکا ضربه زدن بر جناح انقلابی و مخالف سازش در داخل یعنی خط امام در مبارزه ضد امپریالیستی است، آمریکا از تکیه این خط بر جوهر مکتبی انقلاب که از قدرت گسترش و فزاینده‌گی بسجودی برخوردار است نگران می‌باشد.

می‌نشینند و دشمن موفق میشود سرزمین خیالی را تحت اشغال در آورد و شکست درآورد. عقب نشینی ارتش و شکست ایران و اشغال خوزستان بزعم آمریکا شکست سیاست عدم وابستگی و خط انقلابی است که مبارزه با شیطان بزرگ را در سرلوحه برنامه خود قرار می‌داد. پس از این شکست زبان سازشکاران و محافل لیبرال بلند است که انقلابیون و پیروان خط امام را سرزنش کرده مقصر قلمداد کنند. آنها استدلال خواهند کرد که اگر وابستگان رژیم شاه را تصفیه نمی‌کردید، اگر مجرمان و جنایتکاران را محاکمه و اعدام نمی‌کردید، اگر سفارت را اشغال و جاسوسان را به گروگان نمی‌گرفتید، اگر با آمریکا عملاً قطع رابطه

حداقل خواست آمریکا ضربه زدن بر جناح انقلابی و مخالف سازش در داخل یعنی خط امام در مبارزه ضد امپریالیستی است، آمریکا از تکیه این خط بر جوهر مکتبی انقلاب که از قدرت گسترش و فزاینده‌گی بسجودی برخوردار است نگران می‌باشد، آمریکا در تداوم این خط، حرکت و حضور روزافزون توده‌ها را در صحنه و عمیق‌تر شدن انقلاب و در نتیجه تزلزل و

نمی‌نمودید، اگر آنقدر شعار بر ضد آمریکا نمی‌دادید و هیئتهای حسن نیت آمریکایی و اروپایی را دست خالی باز نمی‌کردانید اگر کودتاچیان را اعدام و ساواکیها را محاکمه و به جوخه اعدام نمی‌سپردید، به اینجا نمی‌رسیدیم که ارتش ما فاقد ساز و برگ و سلاح و طیاره باشد، فاقد قطعات یدک و فاقد فرماندهان لایق باشد! این استدلالها در اذهان ساده‌ده که در اثر شکست احتمالی بیشتر حساس شده است، اثر می‌گذارد و بر ضد خط امام و انقلاب بسیج می‌گردند، و به نفع سازشکاران لیبرال موضع می‌گیرند.

هدف تاکتیکی بعدی آمریکا اینست که با این جنگ تحمیلی بر بحران و فشار اقتصادی به مردم بیفزاید، چرخ‌های تولید از کار بیفتد و هزینه جنگ مردم را ناراضی گرداند، باضافه قطع درآمد نفت و افزودن شدن هزینه‌های جنگی بر بوده دولت، موجب کاهش ذخیره ارزی می‌گردد و تورم و بحران افزایش پیدا می‌کند، دولت برای

امپریالیستها شاید می‌ترسند، فردای پیروزی، حماسه‌آفرینان خرمشهر و آبادان - رزمندگان جبهه‌های نبرد پل ذهاب و سوسنگرد و حمیدیه، و توده‌های انقلابی و مؤمن در سراسر کشور خواستار حقوق مسلم خود شوند، بخواهند تا شوراهایی که در بسجوحه جنگ در مساجد پدید آورده‌اند باقی بماند بخواهند تا زمین از آن دهقانان باشد که در طول جنگ در زیر خمپاره و توپ کشت کردند و محصول را برای سربازان و رزمندگان فرستادند.

تأمین هزینه‌های جاری و نظامی خود نیاز به پول خواهد داشت و در این موقعیت باز هم فرصتی برای جناح‌های سرمایه‌دار لیبرال پیش می‌آید که برنامه‌های اقتصادی خود را ارائه دهند و ضرورت صدور نفت و تکیه بر درآمد آنها مطرح ساخته، خط انقلاب را در پیدایش بحران اقتصادی و بروز جنگ مقصر قلمداد نمایند. سازشکاران خواهند گفت، اگر پیروان خط امام از گسترش انقلاب و حمایت از جنبشهای آزادیبخش و ملل زیر سلطه حکومت‌های ارتجاعی و مستکبر طرفداری نمی‌کردند و دولت‌های مستبد و مرتجع و ضد مردمی و وابسته به امپریالیسم را تحریک نمی‌کردند، چنین جنگی بر ما تحمیل نمی‌شد و ما دچار اینهمه ضایعات جانی و اقتصادی نمی‌شدیم.

در چنین شرایطی که شباهت بسیار به شرایط بعد از جنگ مصر ناصر با اسرائیل دارد، آمریکا امیدوار است که خط انقلابی امام همانند خط انقلابی ناصر، در فشار تبلیغات لیبرال‌هایی چون سادات بی‌اعتبار گردد و ارتش شکست خورده ایران مانند ارتش شکست خورده مصر یکپارچه در پشت سر سادات دیگری متحد شود و همه قشرهای سرمایه‌دار و لیبرال و وابسته علیه خط انقلاب بسیج گردند و امیدوار است بسیاری از توده‌های ناراضی را هم علیه انقلاب و رهبر آن برانگیزد و یا لااقل بی‌تفاوت گرداند. چنانکه در مصر بعد از ناصر موفق شد برای مدتی طولانی توده‌ها را بی‌تفاوت کند و خط خود را تثبیت و حکومت لیبرال مصر را بطرف وابستگی کامل به امپریالیسم هدایت نماید.

امریکا امیدوار است که ضعف تسلیحاتی و نظامی ارتش ایران و شکست‌های اولیه خط امام را وادار به عقب‌نشینی نماید و از خواسته‌ها و هدف‌های خود دست بردارد. زمامداران واشنگتن فکر می‌کنند اگر ارتش عراق موفق به اشغال شهرهای خوزستان شود، امام برای جلوگیری از شکست کامل دست طرفداران سازش را آزاد خواهد گذاشت تا هم برای تأمین سلاح‌های پیچیده مدرن به غرب روی آورده، شرایط آنها را بپذیرند و هم به شرایط مصالحه‌متن بدهند. آنان تصور می‌کنند در چنان وضعی حکومت ایران دو راه بیشتر ندارد، از خرید سلاح‌های پیشرفته از غرب که در اینصورت برای پرداخت قیمت آن مجبور است شیرهای نفت را باز کند و زیر بار شرایط مشابهی برود و یا آنکه تن به مصالحه و سازش می‌دهد که در هر دو صورت خط امام

انقلاب شکسته میشود و جناح‌های سازشکار و لیبرال به حکومت میرسند. البته چنانکه پیشتر یادآور شدیم، آمریکا در صورت امکان از استقرار یک حکومت کاملاً دست‌نشانده ضدانقلابی در ایران حمایت خواهد کرد، ولی با توجه به عمق نفوذ جمهوری اسلامی و نفرت شدیدی که مردم نسبت به بازمانده‌های رژیم پیشین دارند، نسبت به موفقیت چنین طرحی چندان امیدوار نیست، حتی اگر در خوزستان (اشغالی) بتواند حکومتی ضدانقلابی را مستقر کند، در صورت ادامه خط انقلاب پایدار نخواهد ماند و خیلی زود زیر ضربات امواج عظیم توده‌های انقلابی مسلمان از پای درمی‌آید. لذا منطقی‌تر آنست که زمامداران واشنگتن، چنانکه در مورد مصر عمل شد، بجای کودتا علیه ناصر به حکومت سادات رضایت بدهند که یار نزدیک ناصر و عضو شورای انقلابی افسران آزاد بوده و در حکومت ناصر سهم و نزد مردم محبوب و لذا وارث طبیعی و بلامعارض خط حرکت ناصر بنظر می‌رسد.

مردم مصر با وجودیکه در مقایسه با ملت ایران درگیری یک انقلاب سخت شده بودند، با اینحال بلافاصله بعد از ناصر حاضر به تحمل یک حکومت وابسته به رژیم شاهی فاروق یا آشکارا وابسته به امپریالیسم و یا مرتجع نظیر اردن و عربستان نبودند، چنانکه در مقابل استغای ناصر بعد از شکست ژنرال آن عکس‌العمل‌گسترده و بی‌سابقه را نشان دادند، لذا پذیرش سادات به آسانی انجام گرفت. اما سادات از همان ماههای اول زمامداری خط انقلابی ناصر را مورد حمله قرار داد و همه ضایعات اقتصادی - اجتماعی و مشکلات و بحرانها را نتیجه آن نوع سیاست دانست و به این ترتیب خط لیبرالی و سازشکارانه خود را جای داد. وی حکومت ناصر را دیکتاتوری نامید و از آزادی‌ها و حقوق اساسی مردم داد سخن راند. وی اعدام‌ها و تبعیدها و تصفیه‌های زمان ناصر را محکوم ساخت و سیاست اقتصادی ناصر را که بر ضد سرمایه‌داران و در جهت قطع وابستگی با امپریالیسم بود، مورد نگرش قرار داد و با این تبلیغات وسیع، زمینه را برای اجرای خط منشی اقتصادی و سیاسی جدید در جهت وابسته کردن مجدد مصر به غرب آماده ساخت، وی بر ضد انقلاب فلسطین سخن گفت و مردم مصر چنین قبولاند که باید به خودمان برسیم. او گفت ما مصری هستیم و باید به مصر بپردازیم. روش ناصر را در حمایت از انقلاب فلسطین و جنبشهای آزادی‌بخش سادات خواد و گفت: فلسطین به فلسطینیها مربوط است. آمریکا امیدوار است در شرایطی مشابه سیاست ساداتی جایگزین خط سازش‌ناپذیر و ضد - شیطانی امام شود.

چگونه می‌توان با آن سیاستها مقابله کرد؟

در سرفاله‌های دو شماره پیش در باره ضرورت یک مقابله‌دراز مدت مردمی صحبت کردیم نوشتیم اگر میخواهیم شکست نخوریم باید جنگ با دشمن بر دوش ملت استوار شود و بجای یک ارتش کلاسیک، یک ملت سرباز و همجا سنگر و جبهه نبرد با دشمن شود. نوشتیم کمبود سلاح‌های پیچیده را باید با مقاومت‌های توده‌ها و جنگ‌های چریکی جبران کنیم. دشمن مناطقی را اشغال کرد که تنها یک ارتش کلاسیک می‌توانست جلوی آنها بگیرد ولی از اشغال مناطق و شهرهایی که مردم بسیج شده‌اند، عاجز مانده است. ما دست بالا را می‌گیریم، می‌گوئیم حتی اگر دشمن موفق به اشغال شهرها شود، ارتش کلاسیک قادر به نجات و آزاد کردن آنها نیست، مگر آنکه سلاح‌های پیشرفته‌ای را که ندارد و به علت نقص فنی از کار افتاده بدست آورد و تکمیل کند، اما با مقاومت مردمی و یکمک جنگ‌های پارتیزانی میتوان شهرها و مناطق اشغالی را آزاد ساخت. برای یک جنگ چریکی و مقاومت مردمی به سلاح‌های پیشرفته و پیچیده نیاز چندان نداریم، بقیه در صفحه ۷

مردم بارو حیه انقلابی و با جنگ و دندان از وجب به وجب خاک ایران اسلامی دفاع خواهند کرد

بر برنجکاران زحمتکش فتیده چه گذشت؟

بعد از پیروزی انقلاب، توده محروم و زحمتکش روستا با علاقه فراوان همواره از صحنه حضور فعال داشتند و نیز با کار و کوشش سعی می نمودند سطح تولید را بالا ببرند. و بدین وسیله در تداوم انقلاب و رسیدن به خودکفائی قدم بردارند.

نخست به مسئولین آبرسانی شلمانود مراجعه نمودند ولی یکی از مسئولین بنام آقای نعمتی که در زمان شاه هم در همین سمت بود و رشوه های زیادی میگرفت باز هم با کمال بیشرمی از مردم تقاضای پول و رشوه می نمود و در نتیجه این مسئولین بی تعهد هیچگونه قدمی در جهت خواسته های مردمی که بی آبی زندگی و محصول کارشان را به مخاطره افکنده بود، برنداشتند. سپس مردم به فرمانداری و مقامات دیگر شهرستان لنگرود روی آوردند اما از آنجائیکه فرماندار فردی غیر بومی است و از مشکلات و نارسائیهای منطقه بی اطلاع است تنها با وعده های سرخوس مردم را مشغول کرد و در این میان فقط جهاد سازندگی شهرستان لنگرود بود که امکانات ناچیز و محدود خود را در اختیار مردم گذاشت ولی با توجه به وسعت اراضی زیر کشت این کمک مؤثر واقع نشد.

وقتی مردم از مقامات و مسئولین شهر ما بوس شدند نمایندگانی را نزد (آنها... لاهوتی) فرستادند ولی با اینکه ایشان تذکراتی به مسئولین استان و آبرسانی داده بود - هیچگونه اثری نخشد. رفته رفته مردم از جریان ناراحت و خشمگین شدند و حتی زمانی که رئیس جمهور از مازندران به کیلان می آمد تصمیم داشتند تا جاده اصلی مازندران - کیلان را ببندند تا زنگ خطری برای مسئولین باشد ولی با

روستای فتیده در ۷ کیلومتری شهرستان لنگرود (کیلان) قرار دارد. جمعیت این روستا بالغ بر ۲۵۰۰ نفر میباشد. محصول اصلی این روستا برنج است. پرورش کرم ابریشم و صغی کاری در فتیده در درجه دوم اهمیت قرار دارد. پس از انجام اصلاحات ارضی شاه معدوم تعدادی از کشاورزان بدلیل کمبود امکانات تولیدی و اختلاف درآمد بین کشاورزی و پیشه‌وری به شهرها روی آوردند.

تلاش مذبوحانه خوانین اقلید بر علیه طرح واگذاری زمین

« کر به شد عابد و زاهد و مسلمانا... »

اکنون هر روز دست به توطئهای تازه می زنند، روزی با سبب به طبقات احراری، روزی با عجز و لانه و دفاع از اسلامت و مالکیت شرعی و غیراسلامی خواندن طرح واگذاری زمین در نزد بعضی مراجم و بائند گرفتن از آنها، روزی با بدگویی از اسنادهای واگذاری زمین و کمونیست و ضد دین فلنداد کردن آنها و ساعه پراکنی در نحوه اجرای طرح سعی بر آن دارند که طرح را بخدوش کرده و از طریق مقامات رسمی از اجرای طرح جلوگیری کنند. و هنگامیکه از این راهها به نتیجه نرسند دست به تهدید روستائیان و هیئت و ایجاد جو ترس و بدبینی می زنند. اما کور خوانده اند و نمی دانند که خشم محرومین بحر از طریق گرفتن حق خود از زورگوییان امکاکنیدر نیست. و مگروا ونگرانله والله خبرالماکرین دو نامه ضمیمه نشانگر تلاش مذبوحانه خوانین منطقه و اقلید فارس و باران صدق خسرو و ناصر قشقایی بر علیه ساد واگذاری زمین اقلید است و بیان کننده اینکه این خونخواران هیچ ضابطهای را رعایت نکرده و دست به ایجاد هر شایعه و کذب و دروغ و دورویی می زنند.

را بسینه می زنند. آری اینک کر به عابد شده است و خوانین مزدور بنام خرده مالک!! (خرده مالکی با داشتن ۵ روستا و بیشتر) از انقلاب اسلامی و خون شهیدان دم می زنند و از رهبری امام و رها شدن از سلطه امپریالیسم سخن می گویند.

آنانکه سالیان طولانی از بازوی زحمتکشان و از خون دل آنان ارتزاق می کردند، آنانکه همواره کوشیده اند تا با توسری زدن به دهقانان و کشاورزان، آنان را به بردگی خویش درآورند، و در به بند کشیدن دهقانان روی برده داران کهن را سفید نموده اند، با شروع فعالیت هیئت های هفت نفره واگذاری زمین به دست و پا

چه زیباست آنگاه که فریادهای خشم و درد و تصمیمات ناگزیرانه و دست آخر ناله ها و التماسها و گریه های توبه و ندامت مالکان زورگو و فئودالهای مفت خور و استثمارگر را به چشم می بینی.

دیروز که ارباب بزرگشان خسروخان قشقایی در منطقه بود و کسی نمی توانست به ایشان بگوید که بالای چشمان ابروست، امروز که منافعشان با تلاش برادران سناهای واگذاری زمین و همکاری زارعین و کشاورزان محروم به خطر افتاده و بحشم خویش می بینند که اگر طرح اصلاحات ارضی به اجرا درآید، دیگر خدایکائی و حکومتشان بر زمین و مردم مستضعف آن بیابان مرسد

افتاده اند. چه زیباست آنگاه که اشک شوق کشاورزی را، همسر رعیتی و کودکان کوچک و بزرگ بزرگتری را مشاهده می کنی، چه زیباست آنگاه که فریادهای خشم و درد و تصمیمات ناگزیرانه و دست آخر ناله ها و التماسها و گریه های توبه و ندامت مالکان زورگو و فئودالهای مفت خور و استثمارگر را به چشم می بینی و چه جالب است وقتی که این از خدا بی خبران سنگ اسلام و انقلاب

قاطعیت برادران هیئت هفت نفره واگذاری زمین اورمیه فئودالهای منطقه را به دست و پا انداخته است

بقیه از صفحه ۱

مستضعفین ادامه دهند و موفقیت آنان را در این راه آرزو مندیم.

فئودال های منطقه که با قاطعیت برادران هیئت ۷ نفره در اجرای طرح روبرو شده اند با رو آوردن به ارگان های دیگر سعی در متوقف کردن اجرای طرح در منطقه دارند، تا همچنان به روابط ظالمانه و استثمار روستائیان محروم ادامه دهند.



توجه به حساسیت اوضاع و شرایط انقلاب از انجام اینکار خودداری کرده همراه عدماهای روستائیان محاور که آنان نیز به این مشکل مواجه بودند در رشت به محل سخنرانی رئیس جمهور رفتند و حتی بوته های پژمرده برنج مزارع را که در حال از بین رفتن بود با خود بردند تا شاید بدین وسیله کاری از پیش برند اما رئیس جمهور پس از شنیدن دردها و گرفتن نامهها هیچگونه ترتیب اثری نداد.

مردم این روستا در جریان انقلاب یکی از مبارزترین و شاید بیشترین روستاهای اطراف لنگرود بوده اند که همواره در نظاره های پرشکوه خویش خشم خود را با فریادهای "مرگ بر شاه" "مرگ بر امریکا" متحلی می نمودند و حمایت بیدریغ خود را از رهبری امام خمینی اعلام میکردند هر چند در این جریان عده های از سردمداران محلی بودند که بعلت منافع طبقاتی از حرکت توده ها جلوگیری میکردند.

بعد از پیروزی انقلاب توده محروم و زحمتکش روستا با علاقه فراوان همواره در صحنه مبارزه حضور فعال داشتند و نیز با کار و کوشش سعی می نمودند سطح تولید را بالا برده و بدین وسیله در تداوم انقلاب و رسیدن به خودکفائی قدمی بردارند. از مشکلات بنیادی این روستا که سالهاست روستائیان را رنج میدهد کمبود آب مزروعی میباشد. آب مزروعی که این روستا از شلمانود تا مین میگردد که این مقدار کفاف آب آشامیدنی اهالی را نمیدهد. مردم زحمتکش و مسلمان روستا انتظار داشتند بعد از پیروزی انقلاب با سرعت هر چه بیشتر و با تغییرات اساسی در سیستم آبرسانی کشور مشکل حیاتی دیرینه شان حل شود، ولی متأسفانه باز هم در سال جاری کشاورزان با این مشکل روبرو بوده و در آنر رسیدن آب و نیز عدم نزول بارانهای فصلی، مزارع در معرض نابودی قرار گرفت که کشاورزان برای رفع این مشکل به اقداماتی چند دست زدند:

برادران عضو هیئت با رعایت کامل اصول و موازین مندرج در لایحه به واگذاری زمینهای مشمول واگذاری پرداخته اند. فئودالهای منطقه که تا چند روز پیش این طرح را شوخی ای بیش نمی دانستند. اکنون که با اجرا و عملی شدن طرح مواجه شده اند، با مراجعه به هیئت و با ارائه ادعاهای نابجا می خواهند برادران را از این کار بازدارند اما با قاطعیت برادران هیئت ۷ نفره روبرو شده و با رو آوردن به ارگانهای دیگر سعی در متوقف کردن اجرای طرح در منطقه دارند، تا به روابط ظالمانه و استثمار روستائیان محروم ادامه دهند. از این فئودالها میتوان آقای قاسم تنبوری را نام برد که در چندین روستا از جمله اوخلار - انکته - با شلان بوشلو و قاصلو، چندین هکتار زمین آبی قابل کشت - باغ و باغچه بیشه و چمن دارد. این شخص تنها در روستای باشلانوشلو و انکته در حدود ۱۰۰ هکتار زمین آبی قابل کشت دارد (بعبارت باغ و باغچه و بیشه و چمن) و با توجه به عرف محل که در این روستاها در حدود ۲/۵ هکتار می باشد، عظمت موضوع روشنتر میشود. گذشته از املاک موجود در روستا، وی در اوخلار تاسیساتی دارد که در حدود ۱۲۰۰ راس گوسفند و ۱۰۰ راس گاو و گاو میش را نگهداری می کند. ما امیدواریم برادران هیئت ۷ نفره در اورمیه بدون توجه به هیاهوی فئودالها و حامیان آنها همچنان به تلاش خود در راه خدمت به محرومین و

با تلاش و پیوستگی برای برطرف کردن مشکلات کشاورزان و روستائیان و برطرف کردن مشکلات محاور و روستائیان محاور که آنان نیز به این مشکل مواجه بودند در رشت به محل سخنرانی رئیس جمهور رفتند و حتی بوته های پژمرده برنج مزارع را که در حال از بین رفتن بود با خود بردند تا شاید بدین وسیله کاری از پیش برند اما رئیس جمهور پس از شنیدن دردها و گرفتن نامهها هیچگونه ترتیب اثری نداد.

مردم این روستا در جریان انقلاب یکی از مبارزترین و شاید بیشترین روستاهای اطراف لنگرود بوده اند که همواره در نظاره های پرشکوه خویش خشم خود را با فریادهای "مرگ بر شاه" "مرگ بر امریکا" متحلی می نمودند و حمایت بیدریغ خود را از رهبری امام خمینی اعلام میکردند هر چند در این جریان عده های از سردمداران محلی بودند که بعلت منافع طبقاتی از حرکت توده ها جلوگیری میکردند.

با تلاش و پیوستگی برای برطرف کردن مشکلات کشاورزان و روستائیان و برطرف کردن مشکلات محاور و روستائیان محاور که آنان نیز به این مشکل مواجه بودند در رشت به محل سخنرانی رئیس جمهور رفتند و حتی بوته های پژمرده برنج مزارع را که در حال از بین رفتن بود با خود بردند تا شاید بدین وسیله کاری از پیش برند اما رئیس جمهور پس از شنیدن دردها و گرفتن نامهها هیچگونه ترتیب اثری نداد.

با تولید هر چه بیشتر و مصرف هر چه کمتر دین خود را به دلاوران حاضر در جبهه نبرد با آمریکا و عراق ادا کنیم و زندگی مصرفی تحمیل شده از فرهنگ آمریکائی زارپیشه کن سازیم

هرگونه احتکار و ذخیره سازی مایحتاج روزمره توده ها باید عملی ضد انقلابی تلقی گردد.

کوحکیرس و تقفای در روابرونی ما سلطان بزرگ بحمل نخواهد شد.

انقلاب اسلامی ایران منافع حیاتی امپریالیسم جهانی را بخطر انداخته و تاج و تخت شاهان و سلاطین و ملوک و روسای ستمکار و مستبد و خود فروخته و مرتجع را متزلزل ساخته است و به ملت‌های زیر سلطه انگیزه و امید برای قیام و مبارزه بخشیده است

ارگانهای مسئول و حتی رسانه‌های گروهی با سستی جهت تسبیح بازگشت روستائیان به روستاها سبب شده و مشکلات بکاری و کمبود تولید داخلی را برطرف کنند. یک عمل غیرمسئولانه و انحرافی مسئولین باعث میشود دقیقاً در جهت عکس این خواسته گام برداشته شود. چرا باید مردم یک روستا از محل سکونتشان آواره گردند! چرا این مردم زحمتکش بپردری زند، همه درها را بسته و همه گوشه‌ها را ناسوا یافتند؟

گزارشی از روستای غربی بابلسر

روستای غربی بابلسر که محصول عمده آن برنج و لوبیاست با جمعیتی در حدود ۳۰۰۰ نفر درخوابگاه بابلسر واقع گردیده. در این روستا که مانند اکثریت عمده روستاهای کشور، مالکیت فئودالی حاکمیت دارد ۸۰٪ از اهالی بصورت روزمرد بروی زمین فئودالها بکار میروند. سید حسن هاشمیان، حاج ولی یور و یوسف زمانی مالک زمینهای این منطقه میباشند.

محمد یوسف زمانی فئودال اصلی منطقه است و در قریه حیکرود هم ۹۳ هکتار زمین محو فئودالیسم، از طریق مصادره زمینهای فئودالها و تقسیم عادلانه آن بین کشاورزان منطقه قادر کنار این طرح باید بیمه کردن محصولات کشاورزی دارد و طبق گفته اهالی این ده مقداری از این زمینها را فروخته است کشاورزان این ده در زمان طاغوت چندین بار از دست این زالی جامعه شکایت کردند اما چون حواد صفا وکیل دادگستری داماد این شخص میباشد به شکایت کشاورزان ترتیب اثر داده نشد.

با خلع ید از سرمایه داران وابسته و خانها و فئودالها و تولید هر چه بیشتر پشتوانه اقتصاد دی جنگ تحمیلی آمریکا و عراق را اندازد ببینیم

امت اسلامی ما با رهبری اسوار و سار - نابدیر امام در راهی قدم گذاشته است که بازگشتی ندارد. راهی که بدون بردید سالمان دراز آماج بوطنه و سیدید و سهاجم امپریالیسم سرگردنی آمریکا خواهد بود. راهی که اگر بلغریم، که است وامام نخواهد لغرید، اراده تکامل تاریخ معاصر مستعصقین از آن خواهد گذشت.

کمیته بطور غیرمستقیم عمل مالک را در این مورد فابونی و تریعی خلوه میدهد. ساکنین ده بدکور بغت نداشتن آب مصرفی روزانه و منبع درآمد و سایر امکانات زندگی ناچار با عجله آنچه در ساط داشتند، از قبیل کلمب پاره، قالی، کوسفتد و غیره را بغرول رسانیده، رواند شهر آفاده گردیدند و در این زمان که بکاری یکی از عمده مشکلات مملکت است، گروهی کشاورز و دامدار مولد بر اثر این شیوه، تفکر مسئولین بیکار شده و از تولید بازماندند. در زمانیکه همه

خوانین آب را هم بروی کشاورزان نجف آباد بستند

انجام می دادند. بعد از اصلاحات ارضی شاه معدوم، در اثر تکایات مکرر به ادارات اصلاحات ارضی، کشاورزی و دادگستری و پرداخت هزینه های هنگفت، بحاطر استخدام وکیل و غیره توانستند هر ۶ روز یکبار به مدت ۲۴ ساعت جریان آب را بطرف ده باز کرده و جهت مصارف خانگی و کشاورزی از آن استفاده نمایند. از آن زمان بعد تا فروردین سال جاری آب بهین منوال سین آنان و کشاورزان ده صادقی آباد علیا تقسیم می گردید. در این موقع سروکله یکی از فرزندان خان سابق یعنی "اسریمین خان قشقایی" پیدا شد. نامبرده که کارمند اداره کل کشاورزی اصفهان میباشد. پس از ورود به ده مردم اخطار کرد که آنجا را ترک کنند و ادعا نمود که این ده ملک معلق باوست و حتی آب را بروی آنان بست. در این موقع کشاورزان به آفاده مراجعه نموده و از کمیته شهر خواستار رسیدگی موضوع گردیدند ولی مناسفانه بعد از چند روز باین در و آن در ردن سیدهای تکریمه، برگشتند. آنها سپس به گروهی از جوانان که در آن موقع سازمان جوانان مسلمان را تشکیل داده بودند، متوسل شده و خواستار راهنمایی و کمک در جهت رسیدن باین حق از دست رفته شان گردیدند. در آن موقع خسروخان قشقایی در آفاده بسر می برد که در آن روزها به دلیل ماهیت فرصت طلبانه خود ماسکی مردی و انسانی بچهره زده بود، چند نفر از آن جوانان موضوع را به خسرو خان ارجاع کرده و نظری وی را در این مسئله حوا شدند. خسروخان که در صدد کسب وجهه و قدرت سابق خود بود، رای بنفع کشاورزان داده و اظهار میدارد که کشاورزان باستی همانند سابق بتوانند از آب بهره

برداری کنند. این موضوع طی نامه ای به طرفین دعوا ابلاغ گردید و طرفین منعهد گردیدند که هیچ گونه درگیری بوجود نیاورند و رسیدگی موضوع را با بنده و پس از تصویب قوانین مربوطه موکول کردند. لیکن در اواخر تابستان هنگام کشت پائیزه امیربهمین خان آب را بروی ساکنین ده می بندد. مردم ده این بار نیز بامید باز شدن دری و پیدا شدن راهگشایی به کمیته و ستاد جهاد سازندگی آفاده مراجعه می کنند و چون مسئله به کمیته مربوط بود مسئولیت رسیدگی را بعهده می گیرد، مناسفانه علاوه بر اینکه هیچگونه اقدامی از طرف آنان در جهت خلع ید کردن از مالک وارد نمی شود، بلکه حتی یکی از روحانیون

امپریالیسم هرگز توبه نخواهد کرد و هرگز تکامل معنوی نخواهد یافت

که آمریکا و کاج سفید و سناکون و سانسنتان بر سرعقل آمده و انقلاب اسلامی ایران را بیدرینه و بحمل خواهند کرد، اگر بدانستیم که امپریالیسم توان و بازی مدبر ماهیت و بدبوس و انصبت حرکتیهای انقلابی را دارد، در نارهای باطل نسنده اوهام و سدارهای بی اساس و دور از

توطئه و تجاوز در ماهیت و جوهر و خمیرمایه این نظام ضدتوحیدی و امپریالیستی است و برای این نظام راه بازگشتی وجود ندارد. این نظام روز بروز پیچیده تر و درنده تر و تجاوز کارتر خواهد شد.

خوابگاه آب را هم بروی کشاورزان نجف آباد بستند

نجف آباد علیا یکی از دهات شهرستان آفاده میباشد که در فاصله ۲۴ کیلومتری و در جنوب غربی آن واقع شده و دارای دشت وسیعی است که برای کشت غلات و گداهان بومی بدلیل حاصلخیز بودن خاکش خسروخان که درصدد کسب وجهه و قدرت سابق خود بود، رای بنفع کشاورزان داده و اظهار میدارد که کشاورزان بایستی همانند سابق بتوانند از آب بهره برداری کنند. این موضوع طی نامه ای به طرفین دعوا ابلاغ گردید.

سزار مناسبت میباشد. این ده سابقاً فنانی داشته که حدود پنجاه سال قبل خشک شده است. در حال حاضر زمینهای این روستا و آفادی دیگر بنام صادقی آباد علیا که در ۶ کیلومتری آن قرار گرفته از جیمهای بنام "اران" و فنانی موسوم به "روداب" که بنرتیب در فواصل ۴۰ و ۲۰ کیلومتری نجف آباد قرار گرفته مشروب میشوند. املاک نجف آباد علیا قبل از سال ۴۱ کلاً به شخصی بنام "محمد امین خان سپهر

املاک نجف آباد علیا قبل از سال ۴۱ کلاً به شخصی بنام «محمد امین خان سپهر قشقایی» از خویشاوندان خسرو و ناصر خان قشقایی تعلق داشت. نامبرده جهت کنترل و تمرکز بیشتر، چند سال قبل از اصلاحات ارضی فرمایشی آب را بروی مردم نجف آباد بسته و در ده دیگر خویش (صادق آباد علیا) مورد استفاده قرار داد. این عمل باعث شد تا عده ای از ساکنین نجف آباد علیا به نقاط دیگری مهاجرت کنند، ولی تعدادی دیگر که ساختن خانه و تامین زندگی در نقاط دیگر برایشان مقدور نبود، در همانجا ماندند و برای تامین آب آشامیدنی خود بناچار از قنات دولت آباد (بفاصله چهار کیلومتری) استفاده می کردند که ابتکار رازانان بوسیله بدوش کشیدن ظروف آب و در بعضی موارد توسط دامها

توبه این نظام بلید و منحوس تاریخ انسانها تنها و تنها در شکستن سون فقرات این دژ غارتگران جهانی متصور است توطئه و تجاوز در ماهیت و جوهر و خمیرمایه این نظام ضدتوحیدی و امپریالیستی است و برای این نظام راه بازگشتی وجود ندارد. این نظام روز بروز پیچیده تر و درنده تر و تجاوز کارتر خواهد شد و روز بروز در مسیر تکامل معنوی قدم خواهند گذاشت و آنچنان تکامل خواهند یافت و اوج خواهند گرفت که امپریالیسم و نظام سرمایه داری جهانی را نابود کنند. با اعتقاد ما این درست است که اراده خلقها دیر یا زود و در نهایت همی توطئه های امپریالیسم را نقش بر آب خواهد کرد، این درست است که اراده خدا که در اراده خلقها تجلی می یابد هر چه باطل و شرک را ریشه خواهد کند، اما هشدار که مبادا در دام بیبا ندادن به ماهیت امپریالیسم ناخواسته و ندانسته شیوه هائی برگزینیم که نهائی جز سازش با شیطان بزرگ نداشته باشد. اگر پنداشته ایم

ایثار و انفاق و تقوی اسلامی باید که در روزهای سخت و دشوار ابتلاء هر چه بیشتر تجلی یابند

ماهیت جنگ...

سلاحهای سبک را هم در داخل میتوان ساخت ، هم از دشمن غنیمت گرفت و هم از منابع خارجی و از کشورهای دوست تهیه کرد ، بی آنکه شرایط سیاسی همراه داشته باشد ، اما تهیه سلاحهای پیشرفته و پیچیده مثل طیاره و تانک و توپهای مدرن در داخل ممکن نیست و در خارج هم این سلاحها در انحصار بر قدرتهاست و کشورهای دوست هم از این لحاظ دچار محدودیتند . بدیهی است توسل به بر قدرتها مستقیم یا غیرمستقیم برای تهیه انواع سلاحها نمیتواند عواقب سیاسی زیانبار و ضد - انقلابی در بر نداشته باشد . یک نشریه لیبرالی جنگ درازمدت مردمی را تحت عنوان جنگ فرسایشی محکوم و به موضع ما در حمایت از جنگ مردمی انتقاد کرده بود .

ورشکستگان سیاسی و سازشکاران می ترسند که یک جنگ مردمی و درازمدت ، طومار زندگی سیاسی آنانرا برای همیشه برچیند - آنان نگرانند که در این جنگ خط انقلاب رشد کند و خط سازش ناپذیر امام پیروز شود .

ما در این مقاله یک دلیل محکم و منطقی در رد ضرورت مقابله مردمی و درازمدت ندیدیم و معلوم نشد چرا یک چنین جنگ فرسایشی به زیان انقلاب ماست . یک وقت هست که ما خود با دستهای خویش آتش چینی را برمی افروزیم و در درازمدت بی دلیل خود را درگیر می کنیم ، بدیهی است که ضایعات اقتصادی و اجتماعی یک چنین جنگی قابل توجیه و قبول نیست . اما این جنگ را چه کسی آغاز کرده است ؟ ما یا دشمن ؟ اگر دشمن شروع کرده ، آیا ما را می جز دفاع در پیش داریم ؟ آیا باید به آتش بس و مصالحه بویژه در وقتی که دشمن در خاک ماست تن بدیم ؟ اگر نه وظیفه داریم دشمن را تا آسوی مرزها عقب برانیم ، اکنون بحث در استراتژی جنگ است ، آنان که با جنگ مردمی و درازمدت مخالفتند ، قطعاً با یک جنگ کوتاهمدت کلاسیک موافقاند . سوال ما از آقایان اینست که برای پیروزی در یک جنگ کوتاه مدت کلاسیک به چه چیزی نیاز داریم ؟ پاسخ آقایان عملاً چنین است اولاً

ارتشی منسجم و با فرماندهان لایق و کارآمد ! دوم سلاحهای مدرن و پیچیده که باید بر سلاحهای دشمن برتری قطعی داشته باشد - بر این اساس چه باید بکنیم ؟ جواب روشن است در مورد اول - همه فرماندهان و افسران که از ارتش طرد شده اند و در جنگ کلاسیک و کار با سلاح - های مدرن آمریکایی تخصص دارند ، از زندان آزاد و بکار دعوت داده شوند ، و همه اختیارات لازم به آنها اعطا و نیروهای غیرکلاسیک مثل سپاه پاسداران ، نیروهای داوطلب و بسیج که ارزش رزمی در جنگ کلاسیک ندارند ، کنار بروند . در زمینه دوم هم جواب روشن است ، وقتی دشمن آواکس وارد میدان میکند و با این دستگاه خبردهنده پیچیده کوچکترین حرکت طیاره های ما را کنترل و بلافاصله به پیشگیری می پردازند ، در مقابل ما چه باید بکنیم ؟ باید دستگاههای مشابهی تهیه کنیم تا شهرها و منابع حیاتی و پایگاههای نظامی ما را در برابر هجوم طیاره های دشمن بی دفاع نمانند ، ما هم بمباران و

واستد و فرهنگ استعماری و بورژوازی نابود کردد . می ترسد حاکمیت بدست توده های انقلابی مسلمان بفتد ، می ترسد مناسبات کهنه یگلی درهم شکسته شود . امپریالیسم امریکا هم از این نتایج هراس دارد که از صلح و آتش بس حمایت می کند . امریکا متوجه شده است که غد غلبه عم انتظارات خود ، مردم سیخ شده اند و جنگ مردمی می شود و جلوی پیشروی دشمن سد شده و ملت ما بی هراس از طولانی شدن جنگ آماده تحمل هر نوع دشواری و سختی می باشد . با شروع حملات چریکی و با سگریندیهای مردم در شهرها ، ماهیت جنگ بر ضد خواست امپریالیسم تغییر شکل می دهد . لذا طرفدار صلح شده ، زیرا از آن یک جنگ فرسایشی سخت هراسان است ، چرا که یک چنین جنگی آتش انقلاب را در سایر سرزمینهای زیرسلطه و در درجه اول در خاورمیانه تعلقور خواهد ساخت . آری امریکا طرفدار خاتمه سریع جنگ است ، برای این منظور یا باید دولت ایران را وادار به سازش و تسلیم کرد و یا ارتش را با سلاحهای پیچیده آمریکایی چنان محشر ساخت که جنگ را سریعاً خاتمه ، از گسترش آن به سایر نقاط جلوگیری کرد . آری طولانی شدن یک جنگ مردمی که یک طرف آن انقلابیون شرکت دارند ، تنها بزبان امپریالیستها و وابستگان بد آنهاست ، نه به زبان انقلاب . از جنگ درازمدت الجزایر و ویتنام چه کسی جز امریکا زیان برد ؟ پس چرا از نبرد درازمدت مردمی می ترسید ؟ شاید می ترسید فردای پیروزی حماسه قریبان خرمشهر و آبادان ، رزمندگان جبهه های نبرد پل ذهاب و سونگرد ، حمیدیه ، و توده های انقلابی و مومن در سراسر کشور خواستار حقوق مسلم خود شوند ، بخواهند تا شوراها را که در باقی بماند ، بخواهند تا زمین از آن دهقانان باشد که در طول جنگ در زیر خمپاره و توپ گشت کردند و محصول را برای سربازان و رزمندگان فرستادند . کارگران که با دستهای خود تولید کردند ، سلاح ساختند و همه توده های محزون و مستضعفی که باخاستند ، متحد و یکپارچه در پشت سر امام در برابر دشمن ایستادند ، بخواهند که حاکمیت و مالکیت از آن آنان باشد . در جنگ درازمدت و فرسایشی جز صنایع مونتاز و وابسته و جز سازمانهای

حکومت و ادارای و استعمارزده ، چه چیزی از اقتصاد ما ضربه می خوردند ؟ جز آنکه اقتصاد وابسته به نفت لطمه می بیند . اگر به زعم شما اینها "ضایعه" است ، در قاموس انقلاب "پیروزی" است . زیرا بجای صنایع وابسته ، مردم به تولید ملی و داخله خودکفا می شوند . دستهای هنرمند و مغزهای پرکار کارگران و مهندسان ، بکار می افتند و آفرینش آغاز میشود و ما به آزادی می رسیم . اقتصاد بدون نفت بی ریزی میشود ، بجای سازمانهای کهنه اداری ، نظام مردمی و شورایی با جوهر مکتبی حاکم میشود و همانطور که امام علی بن ابیطالب فرمود : انقلاب واقعی با زیرورو شدن کامل جامعه و حاکمیت محرومان و سقوط مستکبران تحقق خواهد یافت . ما از این رو خواستار یک جنگ مردمی و درازمدت هستیم و آنرا شرط پیروزی انقلاب در این جنگ میدانیم . در غیراین صورت هر شیوه دیگری از آن نوع که لیبرالها خواستارند ، به سود جناحهای سازشکار و مرتجع و به نفعی انقلاب و شکست خط امام منجر خواهد شد .

یک وقت است که ما خود با دستهای خویش آتش جنگی را برمی افروزیم و در درازمدت بی دلیل خود را درگیر می کنیم بدیهی است که ضایعات اقتصادی و اجتماعی یک چنین جنگی قابل توجیه و قبول نیست . اما این جنگ را چه کسی آغاز کرده است ؟ ما یا دشمن ؟ اگر دشمن شروع کرده آیا ما را می جز دفاع در پیش داریم ؟ آیا باید به آتش بس و مصالحه بویژه در وقتی که دشمن در خاک ماست تن بدیم ؟

حکومت و ادارای و استعمارزده ، چه چیزی از اقتصاد ما ضربه می خوردند ؟ جز آنکه اقتصاد وابسته به نفت لطمه می بیند . اگر به زعم شما اینها "ضایعه" است ، در قاموس انقلاب "پیروزی" است . زیرا بجای صنایع وابسته ، مردم به تولید ملی و داخله خودکفا می شوند . دستهای هنرمند و مغزهای پرکار کارگران و مهندسان ، بکار می افتند و آفرینش آغاز میشود و ما به آزادی می رسیم . اقتصاد بدون نفت بی ریزی میشود ، بجای سازمانهای کهنه اداری ، نظام مردمی و شورایی با جوهر مکتبی حاکم میشود و همانطور که امام علی بن ابیطالب فرمود : انقلاب واقعی با زیرورو شدن کامل جامعه و حاکمیت محرومان و سقوط مستکبران تحقق خواهد یافت . ما از این رو خواستار یک جنگ مردمی و درازمدت هستیم و آنرا شرط پیروزی انقلاب در این جنگ میدانیم . در غیراین صورت هر شیوه دیگری از آن نوع که لیبرالها خواستارند ، به سود جناحهای سازشکار و مرتجع و به نفعی انقلاب و شکست خط امام منجر خواهد شد .

والسلام

شهرید کیست و...

سرماهد و حتی جان و جسمی که می دهیم ماندنی نیست ، استیاهی رود بالاخره امروز فردا هر کس عمرش از چند سالی که تجاوز نمی کند . ما نمی زاریم . پس بازنده در این مبارزه ما نیستیم ، اگرچه همه چیز را بدسیم ، در عوض یک جز را بدست می آوریم که ماندنی است ، آن چیزی که در تاریخ می ماند (آن چیزیکه) برای زندگی جاودانه بدر ما می خورد ، آن جوهر

چگونه از یک مملتی در طول سه سال -

چهارسال هر روز از بدن خویش خونهای

بستری می گردن و آن نیرومند تر و استوار

با به مماندن می گذارد ؟ در قاموس خمینی ها

در فرهنگ بسیاری از مملتها این نوع ضربه ها

ضایعه است - کسنده و مملکت است

ملت ما انتخابش را کرد . این ما هستیم که باید راه خودمان را در کنار این رودخانه جاودانگی ، این رودخانه خروشان شهادت و ایثار و مبارزه ، برای آزادی انتخاب بکنیم ، در کنار این ملت استوار و مومن قرار بگیریم . اگر میخواهیم به قیاموش جاودانگی و ایمان و توحید بیبوندیم ، اگر نه باید انتظار داشته باشیم در این گوشه ها ، در همین مردانه ها ، در همین کنارها بیوسیم و بکنیم . خداوند

است . آن روح خدایی است ، آن ایمان است ، آن ارزش ولای انسانی است ، چیزی که وقتی شما دارید فداکاری می کنید ، لذت را درک می کنید ، وقتی که در آن راه قرار می گیری در آن فضا نفس می کنی ، من و امثال ما می توانیم در فضای این دنیا نفس می کشیم ، نمی توانیم لذت آن حیات ، آن زندگی ، آن جاودانگی را درک کنیم - اینکه باز می ترسیم ، باز وسوسه ماندن ما را راسخ خود می کند - آن زندگی ، ما را به رفتن دعوت می کند ، و این به ماندن . چون ثروت مال امروز است ، برای ماندن است ، خانه برای ماندن است ولی آن ارزشهای خدائی برای رفتن است . ما کدام را می خواهیم ؟ می خواهیم بمانیم یا برویم ؟ بسیاری از سیاستمداران ممکن است که وعده های بدهند و می دهند ، افق هایی برای ما باز می کنند که برای ما رفاه و آسودگی و لذت و فراوانی در آن است ، اما به قیمت چی ؟! به قیمت ماندن ، به قیمت اسارت ، وابستگی ، باز هم فرهنگ شرک و فرهنگ جهانی شرک - و نه توحید - باز هم اسلام مهجور ، باز هم مومنان منزوی در ایران . ما این رامی خواهیم ؟ نه . ما انقلابی در محاصره می خواهیم ؟ ما ایمانی فقط در دل هایمان می خواهیم و یا میخواهیم در سطح جهانی گسترش بدیم ؟ میخواهیم آزادی بدست بیاوریم ؟ میخواهیم در فضای آزاد تنفس کنیم ؟ کدام را می خواهیم ؟ خوب این را هم در طول تاریخ طاعونها به انبیا وعده می دادند ، به آنها هم میگفتند بیائید به شما هر چه میخواهید میدهم ، سوری میدهم ، آفاتی میدهم ، پادشاهی میدهم ، چرا آنها دعوتشان را رد کردند ؟ ملت ما ، آن توده های مبارز آن توده های شهید داده ، آنها را که بار راستین امام بودند ، آنها را که بازوان انقلاب بودند ، استوار در این راه ایستادند و راه ایمان و راه شهادت و آزادی را انتخاب کرده اند . و هنوز هستند کسانی که بدلیل همان وابسته بودن به زندگی بست ، زندگی دنیائی آن راه را نمی خواهند . نق می زنند ، احساس و اظهار دلالتگی و بی صبری می کنند ، سم پاشی می کنند و تنه راه ادای دینی که ما به شهدایمان ، به برادرانی چون عباس داریم ، اینکه با این وسوسه ها و با این هوی ها و گشش های نفسانی ، با این کششهای شیطانی ، با این وسوسه ها و تبلیغات شیطانی مبارزه کنیم . و برجم شهادت را

اگر ما انتخابی خدائی می کنیم و سرنوشت خودمان را در سیر آنها قرار می دهیم ، به خود خدمت می کنیم ، در مرحله اول خودمان را آزاد کردیم . ما پیاداست سنت الهی تغییرناپذیر است ، و حق پیروز خواهد شد ، دعا کنید که خداوند ما را هم در بین شهدان ، در مسیر این انقلاب رهائی بخش قرار دهد .

با وحدت تمامی نیروهای مؤمن به انقلاب ورهبری امام تجاوز نظامی گسترده رژیم عراق را درهم شکنیم .

آبادان شهر حماسه‌ها

فریاد کرده است

آبادان، ای امت خلق، ای یادگار آنچه‌هاست
در دور دست خاطره "نفت" و "تفنگر"
دستان ما تجایت و قلب صمیم تو
آن اشتیاق و شوق تفتیده و سترگ در تیر افتاب
در یاد "قدس" و "فلسطین"
در یاد "تعمص" صبیح
در یاد زخم و خون جاری در آن بلاد پاک
بادی که در همیشه دوران در قلمت تو، در سینت عاشقانه پییده است
اینک، آماج کینه و تیر ددان شده

اینک بلاد من، تحسم "هذا البلد الامین"
بی ترس و بی هراس
زخم شکسته در پاره های تن
در "صور" و "نابلس" و "صدیقا" و "الخلیل"
زخم تن "کرامه" و "جولان" و "قدس" را
و دستان پر شقاوت طاغوتیان خصم خلق را
با خون و زخم خود

به تحریراتی هر چه بارور

تعمیم داده است

این زخمها همه با هم شکفته اند
غنچه کرده اند
کسل داده اند
و شط جاری این لاله های سرخ
در هر کرانه و معبر
در راستای تجلی "امت رسول"
آیات نصر را
در موج موج خود
به تلاوت نشسته است



لاهیجان - علی - د

۱) سلما کسی که بای بند اسلام اصل
سازد و بدان عمل نکند - مسول شفاعت
قرار نمگیرد.

۲) پنجم مردم از بیت المال به تعداد
افراد ساوی است، و ربطی به کار ندارد -
هرکسی کار کند خود مالک محصول کاری
هست. در استفاده از بیت المال فرقی بین
کارگر، و دهقان، معلم و کوچک و بزرگ
و... نیست. هرکس نمازش بیشتر است
(عائالتی بیشتر) سهم بیشتری میدهد.
۳) هرکس با کار بیشتر درآمدی را
بدست آورد که اضافه بر نیازش بود، باید
بر طبق فرمان خدا انفاق کند و از دخیره
کردن خودداری نماید و اسراف هم نکند -
در جامعه نوعی حتی بول از بین میروند
و هر کس مطابق استعداد خود کار میکند و
کار را عبادت میماند و به اندازه
احتیاجش از محصولات اجتماعی، بهره -
مند میشود - لذا اختلاف و تبعیض در
ساز نخواهد بود.

۴) ما خلع بد از سرمایه داران را با
موعظه و بند و اندرز عملی نمیدانیم و با
نظر شما دراین مورد که باید با سیاست
انقلابی به جنگ نظام سرمایه داری و اسبه
رفت کاملاً موافقیم و دراین راه برنامه -
های مرحله ای خود را با توجه به ساخت
اقتصادی و اجتماعی جامعه ما مطرح
نموده ایم.

سراز: حسین - ی
۱) احکام انقلابی مردم، جدای از
نهادها و سیستم باقیمانده از رژیم گذشته
مطرح مینماید و برخلاف آنچه شما گفته اند،
دولت موقت و لیبرالیته در بنیابین این
نیضت و حرکت قرار نداشتند، بلکه سعی
در کنترل و به رکود کشاندن آن داشتند و
دارند.

۲) سلما در راه حرکت مکتبی موانع
مختلفی وجود دارد و یک مبارز مکتبی
نیاید با برخورد با آنها ما، بوس و دلسر
شده و متعلل کردد، بلکه باید با پشتکار و
نکیه بر اصول مکتب، در جهت از بین
بردن سدهای راه تکامل بکوشد.
۳) ما خلع بد از سرمایه داران را با
موعظه و بند و اندرز عملی نمیدانیم و با
نظر شما دراین مورد که باید با سیاست
انقلابی به جنگ نظام سرمایه داری و اسبه
رفت کاملاً موافقیم و دراین راه برنامه -
های مرحله ای خود را با توجه به ساخت
اقتصادی و اجتماعی جامعه ما مطرح
نموده ایم.

فروزی: برادر دانش آموز - راستی
در مورد مسئله ای که مطرح کرده بودی
میثاقی با هواداران جنبش مسلمانان مبارز
تماس نگیری.
همانگونه که شاهد هستی فعلاً از دو
بحث ایدئولوژیک " سنت ها در تاریخ "
و " مقوله های اساسی مکتب " تنها بحث
دوم را مطرح میکنیم و بدین ترتیب به نظر
و پیشنهاد شما که چاپ هر دو مطلب در
یک شماره را سنگین خوانده بودید ترتیب
اثر داده شده است.

نهران - علیرضا ص
در مورد مالکیت و سرمایه در اسلام می-
توانید به کتاب کار مالکیت و سرمایه و هم
چنین سلسله مقالات ایدئولوژیک اصول
بایه جامعه توحیدی مراجعه نمائید.

نهران - برادر علیرضا ش
حمایت ما از امام صرفاً یک تاکتیک
" سیاسی " نبوده و ما جریان بنفوان خط
امام را جدای از جناح های دیگر جامعه،
قبلاً تحلیل کرده و نظر خود را نسبت به
آن اعلام کرده ایم.
اصولاً در برخورد با گروهها (مارکسیستی
و غیر مارکسیستی) تجزیه و تحلیل موضع
گیری های آنان، کل جریان انقلابی و
حاکمیت سیاسی انقلابی را مد نظر داریم،
و دراین راه از آنهایی که بنحوی با موضع -
گیری ها و عملکردهای غیر اصولی خود به
حاکمیت سیاسی انقلاب لطمه وارد ساختماند
در موقع خود انتقاد نموده ایم.

نهران - ر
برخورد ما با دولت و سایر نهادها از
ابتدای پیروزی انقلاب بشیوه وحدت و
تضاد بوده است. هر جا که عملکردهای
آن با اصول مکتب مبارزه و جنبش انقلابی
اسلامی مردممان لطمه زده است دست به
افشاکاری زده و انحرافات را گوشزد نموده ایم
و از طرف دیگر با توجه به حاکمیت سیاسی
انقلاب، مرزهای وحدت را نیز نادیده
نگرفته و از کارهای مثبت - در موقع خود -
پشتیبانی و حمایت کرده ایم.
اشتباهات و انحرافات بسیاری از گروهها
در تحلیل اوضاع و شرایط و همچنین حرکت
انقلابی مردم، به معنی نفی هر گونه شکل
و مبارزه جمعی نمیشاند و چنین تصویری
خطای محض است. برای آشنائی بیشتر
با جزئیات و ضرورت مبارزه تشکیلاتی -
مکتبی میتوانید به مقالات " مقدماتی بر
مسئله تشکیلات و سازماندهی " رجوع
نمائید.

در شهر من، در قلب شهر من
بر نیلگون کرانه آغشته بخون
در شط جاری آن لاله های سرخ
در شکی از حماسه " سوگند برسیده دم، "
خلقی بیدابلا و صبزو توکل
خلقی در عشق و آرزوی شهادت
ایشان " هر چه هست " را در اوج امتحان
در وسعت تمامی تاریخ
در هر چه واژه پایداری و شرف
در معبر رهائی خلقی بانتظار
در یادهاجر و ذبح عظیم او
در یاد لحظه تصمیم ابراهیم
با یادشان بیلاشی دگر، هر چه پرشکوه و شکوفا

مقوله‌های اساسی مکتب

بقیه از صفحه ۸

آغاز میکند می خواهد خدا را در آیات و
پدیده ها بیاید، اما متوجه میشود که راه
خطائی پیش گرفته است و لذا از خدا
میخواهد تا راه دیگری فراراهش قرار دهد.
و میگوید این راه شناخت (از راه ماهیت و
پدیده) را به کمراهی می گشاند. بهمین
دلیل شیوه درست شناخت وجود چنانکه
قرآن راهنمایی میکند، پی بردن بوی
بوسیله خود اوست. و این یک نحوه
شناخت فطری و بدیهی است. فطری نه به
این معنا که انسان قبل از تولد از این
حقیقت آگاه است، بلکه چون "وجود
واقعیتی است ظاهر و آشکار و بدیهی و
چون انسان استعداد فطری برای درک
واقعیتها دارد، لذا بلافاصله و مستقیماً"
آنرا درک می کند، از این رو می گوئیم
شناخت خدا امری است بدیهی و فطری و
نیازی به واسطه و استدلال ندارد. خود
خویشتر را بما می نمایند، بقول امام علی
یا من دل علی ذاته بذاته و تنزه
عن مجانسته مخلوقات - ای کسیکه ذات او
بر ذاتش دلالت میکند و از مجانست و هم
سخنی با مخلوقاتش (ماهیت) میرا است.
به عبارت دیگر نمی توان از ماهیت به ذات
اوپی برد.

پس اگر برادران در آن مصاحبه "
موضوع اصلی و فرعی بودن نیروها در
جنبه باطل را عنوان کرده است از شیوه
اسلامی و هم چنین از شعار نه شرف و نه
عربی دور نشده است - مسلم است که
چنانکه شما هم اشاره کرده اید هرگز هیچیک
نیروهای باطل فرعی یا اصلی را نباید
مورد اعتماد و اتکا قرار داد.

و صفات و استعدادهایی که در این مظاهر
بچشم می خورد، او را بهتر می شناسیم. و
همه صفات را در او بنحو مطلق بازمیباییم.
چنانکه پیروان فلسفه مادی یا "فلسفه علمی"
هم ناچار شده اند نه از روی تجربه و
استدلال علمی بلکه از روی عقل فطری به
وجود یک حقیقت مطلق و نامحدود و خارج
از زمان و مکان اعتراف کنند و محدودیت
کار آنان در درک و تشخیص صفات وی
است.
از آنجا که ذهن ما این صفات را در
پدیده های محدود و مقید میشناسد و درک
می کند، برای درک مطلق این صفات در
خدا چنانکه امام علی می فرماید باید آنچه
را در پدیده ها شناخته ایم از او نفی کنیم
تا به درک وی نزدیک تر شویم. قدرت،
رحمانیت، عشق، خلاقیت و... همه را در
پدیده ها، در مظاهر وجود می بینیم و به
خدا نسبت میدهم اما با اینکار خدا را در
این مفاهیم محدود کرده ایم زیرا خلاقیت
هر موجود بهرحال محدود است، زیباییها
نسبی اند و هر پدیده تا اندازه ای از عشق
یا رحمانیت بهره مند است. برای خدا باید
این مفاهیم و صفات محدود را نفی کنیم تا
بتوانیم مطلق آنها را برایش تصور کنیم.
"لیس لصفته حد محدود و لا نعم موجود و
لا وقت مدود و لا اجل محدود" نهج البلاغه
خطبه ۱ - از برای صفت او حدی و نهایتی
نیست و نه خود او را صفتی است ثابت و
موجود، او را وقت معین و قابل شمارش و نه
اجل یا مدت معین و کشیده شده سراسری
نیست. "کمال الاخلاص له نفی الصفات عنه
شهاده کل صفتها انها غیر الموصوف و شهاده
کل موصوف انها غیر الموصوفه" نهج البلاغه
خطبه ۱ - کمال اخلاص آنستکه صفات
(درک شده توسط ذهن محدود خود را) از
از وی نفی کنیم، زیرا هر صفتی نشانه
آنستکه او غیر موصوف است (غیر از آن
چیزی است که ما توسط او صفتش را درک
کرده ایم) و هر موصوفی گواهی میدهد که
آن غیر از صفت او است. پس کسیکه خدا را
وصف کند، قرین و مشابهی برای او فرض
کرده و او را هم طراز (پدیده ها) قرار داده است.
ادامه دارد

مردم قهرمان ما بر سر دوراهی ذلت و حریت، راه شهادت و دفاع و مقاومت و شرف و حیثیت را بر خواهند گزید.

زینب فریاد پرخروش بیداری زنان در بلندای رهائی توحیدی

فهده ای بی تنگت من دانشنا
والا فواه تتخلمت من لحوما

این دستان سرک‌آلودتان است که
بخون ما آغشته.
و این دهنهای باوه‌گوشانتان است که
گویی گوشت تن عزیزان ما را دریده
.....

ای بزد!
از هرچه سگر و فریب و اغفال مردم
دریغ مدار
هرچه مینوایی بساط ترک و استکار
را بگستران
جهت باطل خود را فروزی بختر
اما سوگند بخدا که نخواهی توانست
باد ما را از بادها برداشتی و فصلت
وحی را خاموش نمائی.
تو هرگز برای بارداشتن ما از نفس
خود نخواهی شد.
نوازی بزد! هرگز از تنگ و نفرت و
دریغ و غارها نخواهی شد
آیا بیدار و اندیشه و گمان تو بوج و
مان نپیی نبود؟
آیا جز این است که روزگار تو بسر
آمده؟
و جمع بساط گردآمده تو در هم
خواهد ریخت؟

تنگد گیدگه
واسع سعیک
و ناصت جهدک
فوالله لا تخمو ذکرتا ولن تمیت و حیبا
ولا تدرک امدنا
ولن ترخصی عنک عارها
و هل را یک الا فند؟!
و آیا مک الا عدد؟!
و جمعک الا بید؟!
.....



بوندند و هم بر اندام جوانان غیرتمند
خود کفن بوسانددند، هنوز بسارند کسانیک
این تحول عظیم و این وحدت شکر
خواهران و مادرانمان را با انقلاب درک
نکرده‌اند، اما تردیدی نیست که دست‌آورد
های این دگرگونی عمیق در نظام ارزشهای
حاکم در جامعه، خانواده و روابط همسر و
فرزندان بعنوان سوره انقلاب در نظام
ارزشها، در اخلاق و سنت و فرهنگ حاکم
از هم اکنون چهره کرده و خود نشان
میدهد.
زنان جامعه ما در متن انقلاب نه تنها
نصیبی را که از آنها بملط رسم شده بود،
دریدند و تصورات غیرتوحیدی و سرک‌آلود
درباره خود را که در دهنها جایگزین شده
بود، زایل ساختند، بلکه خود نیز نصیبی
که از خویش داشتند، دریدند، خود نیز
شاهد بر خویستی شدند که چگونه خواستها و
امیدها و آرزوها و برنامه‌ها و تمایلات و
کرایشها و انگیزه‌هایشان در شعله‌های آتش
انقلاب می‌سوزند و از سان شعله‌های سرکش
آتش انقلاب ققنوس وار با تغییر و تحولی
عظیم و سرک در بینش و تمایل و انگیزه و
خواست سر بر می‌آورند. در متن انقلاب
تجربه‌های محدود و آلوده به تنگ‌نظریهای
شخصی و خانوادگی و فامیلی یک باره به
تجربه‌های بوسعت یک خلق در برابری سگر
و در فریاد رهائی و در رویارویی با مباران و
مواجهه رویارویی با دشمن و شکنجی آثار و
انفاق و در تدارک پشت جبهه و تهیه لباس و
پوشش‌های رزمی برای رزمندگان جبهه و در
برنامه‌ریزی و تنظیم انقلابی امور خانواده و
صرف و تولید و تحول و دگرگونی در فرهنگ
و اصطلاحات حاکم بر خانواده و جامعه مدخل
میشوند.
بقیه در صفحه ۱۱

جامعه انقلابی ایران اسلامی در
نظامی سخت و سپهکین تحریک‌های شکر
و بازوری را از سر می‌گذرانند، با همهی
نمایشاتیکه دشمنان داخلی و خارجی
انقلاب در سکون و آرامش این
نظام بحوش و خروش آمده‌اند از خون‌شهادت
کلکون کفن بکار بسته و می‌بندند، امواج این
حرکت الهی و مردمی هرچه سپهکینتر بر
صخره‌های سخت و مقاوم می‌کوبد و راه
می‌جوید و راه می‌کناید و در این میان
زنان این جامعه انقلابی با توجه به ظلم و
ستم مضاعفی که بر آنها رفته بود، به
آفرینش و بازیابی ارزشهای نویی دست
بازیدندند. کوئی زندگی و بینش و تفکر و
شیوه و امید و آرزوهای آسوه اسلامی،
تاریخی و سنتی و فرهنگی زنان جامعه ما
زینب سلام‌الله علیها" در جان و تن این
بیروان و رهروان راه زینب به تلور و تجلی
نشسته است. زنان جامعه انقلاب اسلامی
در اوج‌گیری و شکوفایی نهضت و حرکت،
جایگاه واقعی خود را یافتند و چه زود به
وحدتی ارگانیک، وحدتی همه‌جانبه و آگاه
و هدفدار با انقلاب رسیدند. فراموش
نکرده‌ایم که در تمامی هنگامه‌هایی که
تاکنون خلق ما داشته‌است، آنان با حضور
داشتند و یا فرزندان شهید خود را در پناه
فرآن بر آستانه در بدرقه کردند، در
فرای آن حصه خونبار در حالی که مزار
شهیدان در حلقه محاصره دشمن بود،
فریاد " این سند جنایت پهلوی است " از
سوی زنان در بهشت‌زهرآ سر داده شد.
زینب در وحدت با نهضت عاشورا فرزندان
دلاور خود را با دستهای خود کفن بوسانید
بسیاری از زنان جامعه ما هم خود کفن

یهودیان هم از صهیونیسم زخم خورده‌اند

و، آری این دست‌آورد صهیونیسم
نه تنها برای مسلمانان عرب که حتی برای
یهودیان عرب است، دست‌آوردی که بسا
شکجه و زندان و ترور و قتل و آوارگی و
درگیری عجب گردیده. صهیونیسم بدروغ
سنگ دفاع از یهودیان را بسینه میکوسد
و ماهیت پلیدو امپریالیستی و سرمایه‌داری
خود را در حسین پوششهایی مسور
مدارد، اما اینک خلفها بیدار گشته‌اند،
و ماهیت صهیونیسم حتی برای یهودیان
هم روشن شده است. برای امپریالیسم و
صهیونیسم یهود و مسلمان و مسیحی و
بودائی مطرح نیست و استثمار و جنابول و
غارت تنها قانونی است که امپریالیسم و
صهیونیسم با آن آشنا هستند. این اولین
های تبلیغاتی و تحریک‌گری صهیونیست هما
در بسیاری از کشورهای عربی هم اشاره
کرده‌ام، همهی آن شوه‌هایی که اعراب
یهودی را از سرزمینهای خود بسوی
فلسطین اشغال شده راند و همزمان و
نوام ما آن در کشورهای عربی بانک
همدردی و حمایت‌های رباکارانه با
یهودیان عرب باصطلاح رانده شده از
سرزمینهای عربی سرداده شد، و این
نوطکه‌ها هم برای انحراف افکار عمومی از
بازگشت فلسطینیان بخانه و کاشانه خود
صورت میگردد و صهیونیستها بارها و بارها
تکرار میکنند که تنها یک حاجاتی
جمعت!! صورت گرفته‌است من با بسیاری
از اعراب یهودی ساکن اسرائیل گفتگو

اس بود که من جز حمایتی که آنها بی
برده بودم بصیونیسم حقیقت محیی
همدی آنچه که بی تردید انفاق می افتاد،
اما آنها هرگز تحمل نکردند و مرا متهم
ساختند که من به انتقاد از صهیونیسم
پرداختم. این بیعت ناخواندانه مرا
مصمم ساخت تا هر چه بسیر به میان
حقیقت آنچه میگفتت همت گنارم.
من مصمم گرفتم تا آنجا که امکان دارد
با مسائل بیشتر آشنا شده و آگاهی یابم و
بنابراین به مطالعه و بررسی تاریخ
صهیونیسم پرداختم. خوب طبیعی بود که
با مطالعه در این راه سلم را در اورشلیم
از دست بدهم و چنین هم شد، من برای
روزنامه‌هایی که سردبیری، سخت صهیونیست
و مریع داشت کار میکردم و او بکاره مرا
در وضعیتی بسیار سخت و ناگوار قرار داد
و از من خواست تا مقالاتی تهیه کنم و در
آن شدت به سازمان آزادی بخش فلسطین
بنارم و من زیر بار چنین کاری نرفتم و آنرا
رو کردم.



نستفام و آنها از رفتار غیر انسانی که
درباره آنها بکار می‌رود سخنیا گفتندند.
نکته‌ای که باید به آن اشاره کنم این
است که بسیاری از عطیات انقلابی داخل
اسرائیل امروز توسط اعراب یهودی سازمان
داده میشود نه فلسطینیها.
بسیاری از اعراب یهودی از اخراجیان
ارشی هستند و در حال حاضر گروهی بنام
"ماتز" سازمان داده شده که بمبی را در
بفر پلیس منفجر ساخته و دفتر روزنامه
"هارتز" را با تیش کشیده است، بسیاری از

اگر امروز یهودیان جهان قربانی
فاشیسم در لباس دفاع از قوم
آریا شدند امروز هم قربانی
صهیونیسم در لباس دفاع از
قوم یهود گردیده‌اند.

از آن پس من مجبور شدم که به تنهائی
و آزاد و رها از هر قیدو بند برای ناشرین
مختلف مطلب تهیه کنم و نا دوسال قبل
من دریافتیم که هیچیک از روزنامه‌های
انگلیس حاضر بحاب و نشرمطلب من
نستند اما دوسال است که برخی از آنان
بعضی از مطالب مرا چاپ میکنند. هم
اکنون بعضی از گزارشهایی که ده سال قبل
چاپ آنها غیرممکن بود بحاب میرسد اما
هموز هم سائلی هستند که در ردیف محرمات
و "تاسو"ها بحساب می‌آیند که نباید
به آنها دست زد!!
گر میان این قبیل مسائل مثلا" میتوانم
از آنچه که بر یهودیان عراق و مغرب
دست صهیونیسم گذشته است نام ببرم.

صهیونیستها با هوچیگری فریاد می‌کنند که آنها برای نجات قوم یهود از
راه رسیده‌اند و در این راه تلاش می‌کنند در بدری فلسطینیها را توجیه
نمایند و جوی بسازند که رنج و عذاب غیریهودیان بخاطر مصالح یهود
غیرجدی تلقی شود اما هیچ تردیدی نیست که صهیونیسم هرگز حرکتی
انسانی برای نجات قوم یهود بشمار نمیرود

اعراب یهودی بسختی شکجه شده‌اند،
بسیاری از شکجه‌های زندانهای اسرائیل
همانقدر که برای فلسطینیها بکار گرفته
میشود در مورد اعراب یهودی نیز بکار
میرود و این مسئله هر چند در داخل
اسرائیل پذیرفته شده اما در دنیای غرب
هنوز بکوش کسی نرسیده‌است.
تبعیض در مورد یهودیان عرب و
یهودیان کشورهای غربی در اسرائیل
غیر قابل انکار است.
نمیدانم آیا میدانید که در اسرائیل تا
کنون راه بیمائی‌های بزرگی در حمایت
از سازمان آزادی بخش فلسطین توسط
یهودیان عرب صورت گرفته؟ و این نوع
حرکتها همیشه سرکوب و هرگز در غرب
انعکاسی نیافتاده‌است.

سؤال - شما قصد دارید در آینده دست به
چه اقداماتی بزنید؟
جواب: عمده ترین هدف من برای آینده
حمایت از قضیه خلق فلسطین میباشد...
.....

**با خارج ساختن تجارت خارجی از دست سوداگران سرمایه‌دار
ضربه‌های اقتصادی دشمن را خنثی کنیم**

بیانیه جنبش مسلمانان مبارز در باره شهادت سه تن از برادران

بسم خدا
ولایحسین الدین قتلوا فی سبیل اللہ
ابوآبانی بل احبنا عند ربهم برنون
شهیدان قلبهای انقلاب اسلامی ما
هستند.

هموطنان مسلمان و مبارز
در محسن روزهای بعد از پیروزی ۲۲
بهمن ۵۷، هنگامی که توده‌های مردم
برهبری امام خمینی رهبر انقلاب برآمده
مرحله‌ای انقلاب را با اعلام شعار بعد از
شاه نوبت امریکاست تعیین کردند، برای
ما مسلم بود که مبارزه واقعی با امپریالیسم
در سر تکاملی خود نیک جنگ مسلحانه
می انجامد و نابودی کامل بایگاہها و نفوذ
ریشه دوازده‌ساله تجاوز استعمارگر بر سر
کردگی امریکا بدون دست بردن به اسلحه
مکن نخواهد بود. ما این اطمینان را بر
اساس سنت الهی حاکم در جنگ بین حق و
باطل بدست آوردیم، حاشیکه میفرماید:
"بل نغذت بالحق علی الباطل فبدیعه
فادا هو ارق" بلکه حق را باطل می-
کوبیم تا باطل مٹاشی شود، بی آنکه
باطل رفتنی و نابود شدنی است برای ما
سلم بود که اگر خط سارکساری در بوس
انقلاب اسلامی بر حاکمیت انقلاب مسلط
نموند و انقلاب همچنان در خط اصل
توده‌های مبارز برهبری امام خمینی ادامه
یابد، شیطان بزرگ به همه شیوه‌های
استحسان شده از جمله تهاجم نظامی علیه
انقلاب متوسل خواهد شد. با هر صریح بر
خط سازشکاران و مرتجعین، امید امیری-
لینسپا برای به تسلیم کشاندن انقلاب
مدل به ناس گزیدو در تصمیم خود برای
سرکوبی نظامی خلق بیاخش و درهم
شکنستن خط سازش ناپذیر امام راسخ تر
شدند.

ما میدانیم که هدف اصلی امریکا از فشار
نظامی و ادار کردن انقلاب به موافقت با
خواستهای آنان است، خواستهایی که قبول
آنها متضمن نفع جوهر مکتبی انقلاب و
محصور کردن آن در ایران و مانع از
گسری و تاثیر آن در خارج از مرزهای
جغرافیایی، تضمین ادامه جریان نفت به
غرب و سالم نگاهداشتن ساخت وابسته
نظام اقتصادی - نظامی و اداری ایران
میشود.
حکومت یعنی عراق که ماهیتی ضد
مردمی و استکباری دارد، در تضاد با
انقلاب اسلامی ایران برای حفظ قدرت،
جاریه جز اقدام به سرکوب انقلاب
نداشت و این هدف با هدف امریکا در تضاد
به ایران و شکستن خط سازش ناپذیر امام
همراه گردیده است. اتخاذ این سیاست از
جانب عراقی علیه منافع انقلاب فلسطینی
در گذشته و انقلاب ایران در حال حاضر
بطور قطع شانه سیر وابستگی یعنی ما به
امپریالیسم میباید. امریکا جنگ محدودی
را خواستار است که هم به وابستگی بیشتر
ایران، بویژه از لحاظ تسلیماتی نظامی به
غرب کمک کند و هم با تحمیل سازش و
مصالحه، رهبری انقلابی را بی اعتبار و خط
سازسکاری را حاکم گرداند. حکومت عراق
تضمین سخاوته که انقلاب ایران دست از
حمایت مردم عراق بردارد و با حکومت‌های
ضد مردمی و مستبد و مرتجع کاری نداشته
باشد. این نیز با هدف امریکا که عقیم
کردن انقلاب و مانع از توسعه آن در
بین ملت‌های زیر سلطه میباید، هماهنگ
است. پاسخ درست و انقلابی ملت ما به
این توطئه ها آن بود که بلافاصله توسط
امام اعلام شد: شکت همه اقشار ملت در
دفاع از استقلال کشور و انقلاب یافتاری
بر جوهر مکتبی و آرمانهای انقلابی که
دهها هزار شهید جان خود را برپای آنها
قربانی کردند، واجب است.
ملت قهرمان و مبارز ما این جنگ
تحمیلی را استقبال کرده و ما نیز همانند

توده‌های مردم در خرمشهر و آبادان و سراسر جنوب و غرب کشور اصالت و حقانیت خود را در میان خون و آتش تحکیم می بخشند.

در میان خون و آتش و شهادت، اصالت و
حقانیت خود را نه اسباب می‌سازند.
توده‌هایی که علیرغم عملکردهای غیر -
مردمی لحظاتی بن به ترک صحنه ندویم
انقلاب ندادند و هرگز صحنه را رها
نخواهند ساخت. اینک در حماسه‌های
خرمشهر، خوسین شهر و آبادان و درفول
جنوب و غرب کشور بار دیگر اصالت و
حقانیت خود را در بدست گرفتن سرپوش
جنگ و صلح و انقلاب ستلو ساختند، بار
دیگر ما خون خود شمارهای نگذارند
مختصن نظامی جنگ را اداره کنند تا
بریک ساخته و نشان میدهند که برادران
ارتشی و سربازان و درجه‌داران و افسران
بوس به انقلاب آنجا که در شان سل
خوشان خلق مصمم به ادامه نبرد تا رهایی
قرار می‌گیرند، هويت و اصالت مردمی خود
را بازیابند و آن بخش از ارتش که در
شان توده‌های مردم و بیعت خون و ایمان
نشسته است، مورد اخطار شدید امام واقع
میشود که هرچه سریعتر ساز و برگ جنگی در
اختیار قوای نظامی و جوانان برومند و
سلح حاضر در صحنه و میدان حرف و
بایداری گذاشته شود و کوچگرسن-مامحدا
در این مورد بدقیقه نخواهد شد.
امام بار دیگر سناسیر-مصاحبه‌ها،
نکرانی‌های روشنگرانه که چرا خبرنگاران
امپریالیسم را از ایران بیرون گردانیم
تنها به خدا و خلق قهرمان حدا می‌اندیشد
به خلقی می‌اندیشد که بارها گفته است این
شنا بودند که انقلاب را با خون خود نه
نفر رساندند. امام به خلق هشدار میدهد

ساری از کسانی که عظمت خروس و
جنگ‌های مردمی را درک نمی‌کردند. در
اوج و شگفتی انقلاب در مصاحبه‌های خود
با خبرنگاران غربی با ناسف و درع از
اینکه سرسده اموز از دست آنها بدرآمده و
در کوجه و معبر و خیابان بدست توده‌ها
سپرده شده بود، سخن می‌گفتند، با درع
می‌گفتند که ما امروز دنبالدرو شده‌ایم و این
ظرفداران افراطی!! آبت‌الله‌حسینی هستند
که خود مصمم می‌گیرند و خود عذل
می‌کنند و این واقعیتی بود بر اساس نمود
ماهیت اسلامی و توده‌ای حرکت میلیونها
انسان که بر زبان لیب‌الیها جاری می‌گفت.
در مرحله بعد از پیروزی انقلاب در
بهمن بار دیگر صاحبان اندیشه‌هایی که
لحظهای از طرح شعارهای کار را به کاردان
سیارید، "به خانه‌های خود برگردید"
"جوب لای جرح کار دولتمردان نگذارید"
"نی نزدیک"، "کار تخصصی و اطلاعاتی و
نظامی را به متخصصین فن و امور نظامی و
اطلاعاتی واگذارید" دم فرو بستند و اگر
بر زبانی جاری شد که جنگ فرسایشی و
نحیلی درازمدتی در پیش بای انقلاب و
خلق، به کمین نشسته و تنها با مردمی
شدن جنگ نهادهای بوسیده و کینه و
بایگاہهای امپریالیسم و اقتصاد وابسته در
هم خواهد ریخت، بانک برداشتند که
هفته‌نامه‌ی جنبش و جنان به چه حقی و به
چه مجوری از غرارت و بردگی بوس
جنگ سخن به میان آورده است.
اما در این میان واقعیت‌هایی هستند که
علیرغم خواست و نظر و بیعت جریان‌هایی
که ماهیت مردمی انقلاب را درک نمی‌کنند،

بقیه از صفحه ۱

سلاح‌ها را برای جهاد مقدس آماده کنید

خون آسمان حرب کشف بعث عراق و
سرسردگان به دشمنان اسلام و نصیرت را
از کشور خود رانده و خواهند راند. آن روز
سارک است برای اسلام و ملت‌های اسلامی که
دست سسگران و خون‌آسمان از کشورهای
اسلامی کوتاه شود و آن روز سارک است
برای ملت شریف ما که جمهوری اسلامی به
تمام معنی در کشور اسلامی باده شود. و
احکام مرفعی اسلامی به جای احکام
ضدانسانی برقرار گردد. اکنون شما ای
ملت بزرگ اسلامی ایران بر سر دوراهی
مساخند، راه سعادت و افتخار ابدی در
سایه برافتخار جهاد برای خدا و دفاع از
کشور اسلام و راه دلت و ننگ اندی اگر
خدای نخواسته در این جهاد مقدس سستی
و سردی از خود نشان دهید و من امید واقع
دارم که ملت ما بن به ننگ نداده و
نخواهند داد. و تا سقوط رژیم منحط بعث
عراق از پای نشینند و تا ملت شریف عراق
را از اختناق و جنایاتی که بر آنان سابه
شوم افکنده نجات ندهند، دست از جهاد
مقدس برندارند و شما ای جوانان برومند
خوزستان و منطقه غرب و دیگر جبهه‌ها در
این میدان شرف بایدار باشید و از وطن
اسلامی خود با تمام کوشش و فداکاری دفاع
کنید که به خواست خدایتون متعال بیروز
خواهید شد و جنود ایلین را با فصاحت
تمام به عغ خواهد راند. و شما ای قوای
سلح که در خوزستان و مرزهای جنگ‌زده
در مقابل کفار ایستاده‌اید، بهوش باشید و
هماهنگ باشید و به دستورات شورای دفاع
عمل کنید و از اختلاف و تفرق برحذر
باشید که نسل خدا را انشاءالله در آغوش
گرفته و سربلند و مفتخر از میدان بیرون
آئید. اینجانب اولاً به ملت ایران هشدار
می‌دهم که خود را مهیا کنید و اسلحه‌های
خود را آماده کنید و به حال آماده‌بای
باشند که اگر خدای نخواسته محتاج به

ما
برای حفظ جوهر مکتبی
انقلاب خود می جنگیم و
دشمن
برای خنثی کردن آن، زیرا
همزیستی بین این دو محال
است، نمی شود که انقلاب
اسلامی زنده و پرمحتوا
باقی باشد و نظامات طاغوتی
هم در آرامش و ثبات بسر
برند، نزاع بین این دو چون
جنگ بین شیطان و انسان
اجتناب ناپذیر است

هموطنان مبارز
لطفاً وجوه نثریه امت و همدجنین
کمک‌های مالی خود را به حساب جاری
۴۰۰ بانک صادرات شعبه شماره ۲۸۶۳
حیابان استاد مطهری چهارراه مبارزان
وارب و یک نسخه از فمبر ایک مالی
را بدفترت ارسال دارید.
منشکرم
خواهران و برادران مبارز خارج از کشور
برای ادامه نشر و توزیع امت
وجوه نثریات ارسالی را هرچه رود تر
برداشت نمایند.
باتشکر-امور مالی و توزیع

نثریه
جنبش مسلمانان مبارز
سال دوم
زیر نظر شورای نویسندگان
شماره ۷۹

خیابان بهار شمالی بفس نامحو منطعه ۱۵
بسی ۸۲۹۹۸۴

درود بر خمینی - سلام بر شهیدان پاینده باد انقلاب اسلامی ایران